

## باسمه تعالی

### جمهوری اسلامی ایران و ضرورت اقدامات حقوقی در چارچوب دفاع مشروع

زینب فرهمندزاد

نیلوفر مقدمی خمایی

#### چکیده

پس از طوفان الاقصی رژیم اشغالگر تنها متمرکز بر ترور و کشتار مردم و نیروهای مقاومت نبوده، بلکه رهبران مقاومت فلسطینی و لبنانی و فرماندهان نظامی ایران که خارج از سرزمین‌های اشغالی و غزه بودند را نیز ترور کرده که مهم‌ترین آن‌ها، ترور شهید اسماعیل هنیه در تهران و شهید عباس نیلفروشان در کنار سید حسن نصرالله در لبنان و حمله به ساختمان کنسولگری ایران در دمشق و به شهادت رساندن جمعی از فرماندهان نظامی ایران در سوریه از طریق نقض حاکمیت و تمامیت ارضی کشور ثالث و اقدام به عملیات ترور است. این اقدامات، مصداق سیاست ترور (Assassination) و نقض حق حیات مندرج در چارچوب میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و نقض کنوانسیون چهارم ژنو (ممنوعیت هرگونه کشتار فراقضائی به مثابه نقض گسترده حقوق بشر و بشردوستانه) می‌باشد. در این راستا اقدام ایران در حملات موشکی گسترده به رژیم اشغالگر و هدف قرار دادن پایگاه نظامی نواتیم در شامگاه سه شنبه ۱۰ مهرماه ۱۴۰۳ در اقدام به دفاع مشروع در برابر تجاوز رژیم اشغالگر به خاک یا منافع و حاکمیت ایران و ترور فرماندهان نظامی ایرانی در سایر کشورها از جمله سوریه و لبنان و شهادت اسماعیل هنیه پاسخی مناسب و با ضرورت طبق ماده ۵۱ منشور ملل متحد به شمار می‌رود.

**کلیدواژگان:** سیاست ترور، کشتار فراقضایی، جرم تجاوز، نقض حاکمیت، دفاع مشروع.

#### مقدمه

از ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳، مصادف با ۱۵ مهر ۱۴۰۲، رژیم صهیونیستی، تهاجم گسترده‌ای را علیه باریکه غزه با هدف «نابودی» حماس و البته الحاق اراضی مذکور به سرزمین‌های اشغالی از طریق اخراج و قتل عام گسترده مردم مرتکب شده که این اقدامات متضمن نقض قوانین و قواعد متعددی از معاهدات بین‌المللی و قوانین حقوق بشردوستانه بین‌المللی بوده است. در طی تقریباً یکسال از آغاز این جنایات، آمار تلفات انسانی برای پیکرهایی که هویت ایشان مشخص شده، به ۴۲ هزار نفر رسیده است. آمار افراد مفقودالایر به بیش از ۱۰۰۰۰ نفر و افراد آواره به ۱,۹ میلیون نفر رسیده است. شواهد و قرائن نشان می‌دهد که مصادیق متعددی از ارتکاب جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی و جنایت نسل‌کشی در این جنگ به وضوح دیده می‌شود. بمباران منازل مسکونی، کشتار زنان و کودکان، حمله به تأسیسات غیرنظامی، منازل، مدارس، مساجد، مراکز پلیس، اماکن عمومی، نابودی زیرساخت‌های حیاتی از جمله قطع شبکه توزیع آب و برق، بمباران و تخریب بیمارستان‌ها و مراکز

درمانی، ممانعت از حمل و نقل مجروحان و ارسال دارو، برخی از مهم‌ترین مصادیق جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی و از موارد نقض کنوانسیون‌های ژنو از سوی رژیم صهیونیستی در جنگ اخیر غزه است. در جریان حمله به نوار غزه، نیروهای رژیم صهیونیستی با محاصره همه‌جانبه غزه و ممانعت از ارسال نیازهای ابتدایی برای بقای حیات ساکنان غزه و با علم به اینکه قربانیان عضوی از گروه بزرگ‌تری به نام ساکنان غزه هستند و بدون در نظر گرفتن تعلق آنان به یک گروه نظامی یا سیاسی خاص اقدام به قتل آنان کرده‌اند؛ بدین ترتیب هر دو رکن مادی و معنوی جرم نسل‌کشی بر مبنای تعریف ارائه شده در مواد ۲ و ۳ کنوانسیون پیشگیری و مجازات ژنوساید (۹ دسامبر ۱۹۴۸) محقق شده است. سایر شواهد حاکی از آن است که علاوه بر نسل‌کشی، عناصر مادی و معنوی دو جرم بین‌المللی دیگر یعنی جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی نیز از سوی این رژیم ارتکاب یافته است. رژیم اشغالگر اسرائیل برای جلوگیری از جمع‌آوری مستندات و ورود نهادهای ناظر بین‌المللی، به هیچ‌یک از کارشناسان و متخصصان ملل متحد اجازه ورود و تفحص از جنایات ارتكابی را نداده است.

### **- حمایت‌های مادی و معنوی سایر کشورها از رژیم صهیونیستی**

رژیم صهیونیستی با حمایت ایالات متحده و برخی کشورهای اروپایی همچون انگلیس، فرانسه، استرالیا و اعضای ناتو، ضمن نادیده گرفتن قطعنامه‌های شورای امنیت در مورد توقف فوری حملات به نوار غزه و نیز بی‌توجهی کامل به دو دستور موقت دیوان بین‌المللی دادگستری پیرامون ضرورت اتخاذ تدابیری برای جلوگیری از نسل‌کشی و تلاش برای بهبود شرایط انسانی در غزه، همچنان به حملات خود ادامه می‌دهد.

از هفتم اکتبر ۲۰۲۳ تا کنون، تل‌آویو میلیاردها دلار تجهیزات نظامی مختلف از ایالات متحده آمریکا، انگلیس، آلمان و فرانسه دریافت کرده است. براساس اعلام وزارت جنگ رژیم صهیونیستی، این تجهیزات شامل ناوگان جدید جنگنده‌های اف-۳۵، تانک، موتور خودروهای زرهی، خودروهای جنگی و هزاران تن تجهیزات نظامی و بمب‌های ممنوعه دیگر می‌شود. مجموع این حمایت‌های نظامی و سیاسی از رژیم اشغالگر، مهم‌ترین مدعا بر معاونت کشورهای نظیر ایالات متحده و هم‌پیمانان اروپایی‌اش در ارتکاب جرائم مورد نظر است. بند ۲ و ۵ ماده ۳ کنوانسیون منع و مجازات جرم نسل‌کشی که به ترتیب تبانی و شرکت در جرم نسل‌کشی را در زمره جرم نسل‌کشی قلمداد نموده، هرگونه مشارکت در ارتکاب این جرم را مورد توجه قرار داده که فروش تسلیحات نیز از جمله مصادیق آن است. هر چهار کشور ایالات متحده، فرانسه، آلمان و انگلستان، کنوانسیون منع و مجازات نسل‌کشی را به تصویب رسانده‌اند؛ بنابراین به صورت مستقیم در پرونده آفریقای جنوبی علیه اسرائیل می‌توان علیه این کشورها به جرم معاونت در نسل‌کشی طرح دعوا نمود. البته با توجه به تحفظ ایالات متحده بر روی این معاهده، هرگونه طرح شکایت علیه وی منوط به رضایت او است.

ترتیبات واسنار (۱۹۹۶) و معاهده تجارت اسلحه (۲۰۱۳) از دیگر ترتیباتی هستند که در مفاد خود فروش سلاح را منوط به حفظ و احترام حقوق بشر و منع نسل‌کشی، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت نموده‌اند که در این دو سند نیز کشورهای انگلیس، آلمان و فرانسه عضویت دارند.

### **- تحلیل حقوقی جنایت رژیم صهیونیستی در ترور اسماعیل هنیه و سید حسن نصرالله و برخی فرماندهان**

**ایران**

اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی و یکی از رهبران حماس که برای شرکت در مراسم تحلیف رئیس جمهور ایران به دعوت رسمی این دولت به ایران سفر کرده بود، در ساعت ۱:۳۷ بامداد ۱۰ مرداد ۱۴۰۳ به وقت ایران (۳۱ ژوئیه ۲۰۲۴)، به همراه محافظ شخصی خود در تهران، پایتخت ایران، توسط یک حمله منتسب به اسرائیل ترور شد.

همچنین رژیم اشغالگر قدس در ۶ مهر ۱۴۰۳ (۲۷ سپتامبر ۲۰۲۴) در اقدامی جنایتکارانه و ناقض قوانین بین الملل و حقوق بشردوستانه با استفاده از بمب های متعدد یک تنی، جنایت جدیدی علیه انسانیت به راه انداخت و یک منطقه مسکونی در ضاحیه جنوبی بیروت را هدف قرار داد که به تخریب چندین ساختمان روی سر ساکنان آن منجر شد. در این حملات سید مقاومت، سید حسن نصرالله دبیرکل حزب الله لبنان و جمعی از فرماندهان مقاومت از جمله سردار عباس نیلفروشان در راه مبارزه با استکبار و رژیم صهیونیستی و آزادی قدس شریف و دفاع از آرمان های اسلام و مردم مظلوم فلسطین به فیض شهادت نائل شدند.

جنگ وحشیانه رژیم صهیونیستی علیه ملت های منطقه در فلسطین و لبنان و سوریه، ادامه و گسترش سیاست نسل کشی و تروریسم دولتی رژیم غاصب است. با توجه به عملیات وحشیانه ارتش رژیم صهیونیستی علیه مردم جنوب لبنان و حومه بیروت و نقض تمامیت ارضی و حاکمیت سیاسی لبنان و همچنین با توجه به ترور اسماعیل هنیه در ایران که مهمان دولت ایران بود (در صورتی که انتساب آن به رژیم صهیونیستی اثبات گردد)، نقض آشکار قوانین بین الملل، از جمله نقض قاعده آمره عدم تجاوز صورت گرفته است. نظریه قاعده آمره، نخستین بار در چارچوب کنوانسیون ۱۹۶۳ وین در زمینه حقوق معاهدات وارد حقوق بین الملل موضوعه شد. بر اساس ماده ۵۳ این کنوانسیون، سه شاخص عام بودن قاعده، تخطی ناپذیری و شناسایی و پذیرش تخطی ناپذیری آن از سوی جامعه بین الملل دولت ها در کل خود، شاخص های شناسایی قاعده آمره هستند. از سوی دیگر باور به آمره بودن قاعده منع توسل به زور گسترده است، اما سنجش قاعده منع توسل به زور با شاخص های فوق نشان می دهد نمی توان این قاعده را آمره قلمداد کرد، چرا که آمره بودن (یا تخطی ناپذیری) آن به اندازه کافی مورد شناسایی و پذیرش دولتها در کل خود قرار نگرفته و همچنین این قاعده به موجب دفاع مشروع و اقدام نظامی بر مبنای مجوز شورای امنیت، به ترتیب قابل اعتدال و تخطی است. اما در مقابل، قاعده منع تجاوز، به واقع تخطی ناپذیر و بدون استثنا است و آمره بودن آن به صورت ضمنی مورد شناسایی و پذیرش دولتها در کل خود قرار گرفته است. بنابراین به نظر می رسد قاعده آمره حقوق بین الملل منع توسل به زور، قاعده منع تجاوز باشد.

ماده ۸ مکرر اساسنامه دیوان کیفری بین المللی (رم) که به تعریف جرم تجاوز می پردازد، متشکل از دو پاراگراف است. بند اول جرم تجاوز را چنین تعریف می کند:

«برنامه ریزی، تدارک، آغاز یا اجرای اقدام تجاوزکارانه توسط صاحب منصبی که به نحو موثری اقدام سیاسی یا نظامی یک دولت را کنترل یا هدایت می کند که با توجه به ماهیت، شدت و گستره آن، موجب نقض آشکار منشور ملل متحد می شود».

بند دوم نیز مصادیق جرم تجاوز را بر می شمارد:

«تهاجم یا حمله به سرزمین دولت دیگر بوسیله نیروهای مسلح یک دولت، یا هر نوع اشغال نظامی، هر چند موقت که از چنین تهاجم یا حمله ای ناشی شود، یا هر نوع ضمیمه تمام یا بخشی از سرزمین دولت دیگر با استفاده از نیروی مسلح؛ بمباران سرزمین دولت دیگر یا به کاربردن سلاح علیه سرزمین دولت دیگر؛ محاصره بنادر یک دولت؛ استفاده از نیروهای مسلح مقیم در سرزمین دولت دیگر بر خلاف شرایط مقرر در توافقنامه منعقد با دولت پذیرنده یا تمدید دوره حضور در سرزمین دولت فرستنده بر خلاف شرایط موافقتنامه؛ اجازه استفاده از سرزمین برای ارتکاب اقدام تجاوز کارانه علیه دولت ثالث؛ ارسال گروه ها، نیروهای نامنظم و مزدوران برای انجام عملیات نیروهای نظامی علیه دولت دیگر».

یکی از عوامل رافع وصف متخلفانه توسل به زور، دفاع مشروع هست. ماده ۲۱ مواد پیش نویس طرح مسئولیت بین المللی دولتها (۲۰۰۱) مقرر می دارد در صورتی که دولتی مبادرت به انجام اقدام دفاعی قانونی مطابق منشور ملل متحد کند، آن عمل فاقد وصف متخلفانه خواهد بود. بنابراین دفاع مشروع، توجیه توسل به زور در قالب دفاع مشروع است. این در حالی است که بر اساس ماده ۲۶ همین طرح، عوامل رافع وصف متخلفانه نمی توانند به عنوان توجیه و عذر نقض تعهدات ناشی از قواعد امری حقوق بین الملل مورد استناد و اتکا قرار گیرند. چنانکه پیداست قاعده آمره غیر قابل اعتذار است، ولی توسل به زور مطابق با ماده ۲۱ قابل اعتذار و توجیه است. در شرح کمیسیون بر ماده مزبور، هیچ اشاره ای به امری بودن قاعده منع توسل به زور نشده و تنها در خصوص تعهدات ناشی از حقوق بشردوستانه بین المللی و مقررات غیر قابل تخطی حقوق بشری، به غیر قابل استناد بودن دفاع مشروع اشاره شده است.

یکی دیگر از مبانی توجیه عمل متخلفانه بین المللی به موجب ماده ۲۵ طرح مسئولیت بین المللی دولت ها ۲۰۰۱، ضرورت است. دولت ها بعضاً برای توجیه توسل به زور در عرصه بین المللی به ضرورت استناد کرده اند. برای نمونه ایالات متحده در قضیه نیکاراگوئه برای توجیه توسل به زور به دفاع مشروع ضرورت استناد کرد، ولی دیوان ضرورت را احراز نکرد. در قضیه سکوه های نفتی نیز آمریکا مدعی شد حملات ایران موجب بروز ضرورت برای دفاع مشروع شد. دیوان در این قضیه نیز اعلام کرد در خصوص بروز ضرورت قانع نشده و در نتیجه توسل ایالات متحده به زور ضروری نبود.

مبنای دیگر توسل قانونی به زور در منشور ملل متحد، اقدام نظامی بر مبنای مجوز شورای امنیت است. توسل به زور با مجوز شورای امنیت عنصری از نظام امنیت جمعی است. در واقع نظام امنیت جمعی تنها در صورت تعهد دولت ها به خودداری از توسل به زور قابلیت تحقق دارد. در جامعه بین المللی کنونی شورای امنیت می تواند به زور متوسل شود و دفاع مشروع، موقتی، استثنایی و در چهارچوب نظام امنیت جمعی و تحت نظارت شورای امنیت انجام می شود. اگر سازمان ملل مطابق مقررات خود عمل کند، دیگر نیازی به توسل یک جانبه به زور نخواهد بود و زور تنها توسط شورای امنیت اعمال می شود و دفاع هم به صورت محدود و تا به کار افتادن نظام امنیت جمعی از سوی دولت قربانی انجام می گیرد.

در مسئله حملات وحشیانه رژیم صهیونیستی به غزه و لبنان شاهد هستیم که به علت عمل نکردن این نظام به شکل موثر و قابل قبول و عمل نکردن شورای امنیت به وظایف خود در حفظ و برقراری صلح و امنیت بین المللی و ایجاد مانع توسط آمریکا و کشورهای غربی در برقراری آتش بس و توقف جنگ و حمایت و تشویق این دولت‌ها به ادامه محاصره، نسل‌کشی گسترده همچنان ادامه دارد. در واقع این دولت‌ها با توسل به ماده ۵۱ منشور ملل متحد و تفسیر موسع آن کوشیده‌اند که موارد جدیدی را توسل به زور قانونی جلوه دهند. در واقع در این حالت دفاع مشروع دیگر استثنایی موقتی و اقدامی اجتناب‌ناپذیر در چهارچوب نظام امنیت دسته جمعی نیست، بلکه جایگزین آن است. در واقع ناتوانی شورای امنیت در انجام وظایفش به طور خاص و ناتوانی نظام امنیت دسته جمعی به طور عام موجب شده تابعان حقوق بین‌الملل، رو به توسل یک جانبه به زور بیاورند. در واقع در نبود ساختارهای جامعه سازمان یافته برای تضمین اجرای حقوق بین‌الملل و در صورت لزوم تغییر آنها، دولت‌ها راهکاری جز توسل به ابزارهای خود ندارند.

بی‌عملی جامعه جهانی به ویژه سازمان ملل متحد در برابر جنایات یکسال اخیر رژیم صهیونیستی سبب شده تا این رژیم خونریز بدون توجه به اصول و قواعد حقوق بشر، حقوق بین‌الملل و حقوق بشردوستانه، گستره عملیات خویش را از باریکه غزه فراتر برده و به کشور لبنان نیز تسری بخشد. اخیراً رژیم اشغالگر همان شکل از جنایات کور را با استفاده از بمب‌های چند تنی در لبنان آغاز نموده و در پی این جنایات اخیر، از دوم مهرماه سال ۱۴۰۳ شمسی (۲۳ سپتامبر ۲۰۲۴) تا این لحظه بالغ بر هزار نفر از لبنانی‌ها را شهید و ۲۱۱ هزار نفر را آواره نموده است. به درستی می‌توان ادعا نمود که فهرست جنایات ارتكابی از سوی اسرائیل در لبنان با فهرست جنایات وی در باریکه غزه برابری می‌کند. در طی این مدت کوتاه، رژیم صهیونیستی تنها متمرکز بر ترور و کشتار مردم و نیروهای مقاومت نبوده، بلکه رهبران مقاومت فلسطینی و لبنانی و فرماندهان نظامی ایران که خارج از سرزمین‌های اشغالی و غزه بودند را نیز ترور کرده که مهم‌ترین آن‌ها، ترور شهید اسماعیل هنیه در تهران و شهید عباس نیلفروشان در کنار سید حسن نصرالله در لبنان و حمله به ساختمان کنسولگری ایران در دمشق و به شهادت رساندن جمعی از فرماندهان نظامی ایران در سوریه از طریق نقض تمامیت ارضی کشور ثالث و اقدام به عملیات ترور است. این اقدامات مصداق سیاست ترور (Assassination) که نقطه کانونی اقدام رژیم اشغالگر برای حذف رقبا و مخالفانش به شمار می‌آید به معنای هرگونه اقدام به قتل از طریق حمله قلمداد می‌شود که خارج از اختیارات قضائی یک گروه یا دولت و با مقاصد سیاسی رقم می‌خورد. علاوه بر حق حیات که در چارچوب میثاق بین‌المللی حقوق مدنی، سیاسی محترم شمرده شده، بر اساس کنوانسیون چهارم ژنو نیز هرگونه کشتار فراقضائی به مثابه نقض گسترده حقوق بشر و بشردوستانه قلمداد شده و تحت صلاحیت حقوق بین‌الملل قرار می‌گیرد. همچنین کنوانسیون پیشگیری و مجازات جرائم علیه افراد حفاظت‌شده بین‌المللی از جمله نمایندگان دیپلماتیک که از سوی مجمع عمومی سازمان ملل در قطعنامه ۳۱۶۶ به تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۷۳ به تصویب رسیده از دیگر اسناد حائز اهمیتی است که مسئله ترور و قتل افراد تحت حفاظت بین‌المللی و دارای مصونیت را ممنوع می‌سازد. ماده ۲ این کنوانسیون در تعریف افراد تحت حفاظت بین‌المللی بیان می‌دارد: «افراد تحت حمایت بین‌المللی

یعنی: ۱. روسای دولت‌ها از جمله هر یک از اعضای بدنه دولت که کارکرد رئیس دولت را بر اساس قانون اساسی بر عهده دارد، رئیس قوه مجریه یا وزیر امور خارجه و اعضای خانواده وی هنگامی که خارج از قلمرو سرزمینی خود به سر می‌برد. ۲. هر نماینده یا مقام رسمی یک دولت یا نماینده و مقام رسمی یک سازمان بین‌المللی که دارای ماهیت بین‌الدولی است...» بنابر آنچه کنوانسیون مذکور معین نموده، رئیس کشور، دولت و نمایندگان رسمی واحدهای سیاسی و سازمان‌های بین‌المللی بین‌الدولی از مصونیت در برابر جرائم مندرج در این سند از جمله قتل و ترور برخوردارند. با توجه به آنکه شهید اسماعیل هتیه دبیر شاخه سیاسی حماس و رهبر سیاسی حزب خویش بود که با پاسپورت دیپلماتیک در ایران حضور داشت، اقدام اسرائیل در ترور ایشان مصداق بارز نقض افراد تحت حفاظت بین‌المللی و دارای مصونیت است.

### - اقدامات حقوقی بین‌المللی

متأسفانه علی‌رغم گستردگی جنایات علیه امت اسلامی در این یکسال اخیر، هیچ‌گونه اقدام حقوقی قابل‌اتکا و مشخصی توسط کشورهای اسلامی علیه رژیم صهیونیستی در مجامع ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی صورت نگرفته و صرفاً دو کشور غیر اسلامی آفریقای جنوبی و نیکاراگوئه، اقدام به طرح دعوا در دیوان بین‌المللی دادگستری بر اساس کنوانسیون منع نسل‌کشی علیه اسرائیل کرده‌اند. با توجه به آنکه ظرفیت بسیار خوبی هم در سطح محاکم ملی، هم دادگاه‌های ویژه (Ad Hoc)، همچنین شوراهای و نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی وجود دارد، مایه شگفتی و البته تأسف است که چگونه در این مدت ظرفیت‌های مذکور فعال نشده است.

مردم و مجاهدین نستوه لبنانی سالهای متمادی است که از تجاوزات بی‌حد و حصر و جنایات رژیم صهیونیستی در امان نیستند و متأسفانه در هفته‌های اخیر اوج جنایات رژیم خون‌آشام صهیونیستی علیه مردمان بی‌دفاع و غیرنظامیان غزه و لبنان را شاهدیم.

باند جنایتکار و نژادپرست نتانیاهو با محکوم کردن متوقف نمی‌شود و پس از لبنان به دمشق و بعد از آن به بغداد و حتی شاید به ایران حمله کند. در صورت ناتوانی سیستم امنیت جمعی برای جلوگیری از جنایات وحشیانه رژیم صهیونیستی مطابق حقوق بین‌الملل و قاعده دفاع مشروع، با توجه به شهادت سرداران ایرانی در کنار فرماندهان مقاومت در لبنان، ایران نیز به همراه لبنان می‌تواند به دفاع مشروع تا دفع متجاوز مبادرت ورزد.

کشورهای مدعی غربی که از حقوق بشر به صورت جانبدارانه و نمایشی و برای فشار به دولت‌ها و ملت‌ها استفاده می‌کنند، نسبت به این حجم از وحشی‌گری ضمن حمایت، سکوت مغرضانه اختیار کرده و همین سکوت همراه با بی‌عملی سازمان ملل و شورای امنیت، منجر به این حجم‌یابی رژیم گردیده تا نسل‌کشی اعراب فلسطینی-لبنانی را بدون هیچ مسامحه و پاسخگویی ادامه دهد.

در این وضعیت بحرانی منطقه خاورمیانه ضروری است تا همه کشورهای مدافع و حافظ صلح، بالخصوص کشورهای عربی در مقابل گستاخی‌های بی‌امان این رژیم نامشروع در کنار مردم مسلمان بایستند تا رئیس رژیم اشغالگر به خود اجازه ندهد در صحن علنی سازمان ملل در نیویورک یک‌ه تازی کرده و با دروغ پردازی‌های جنون آمیز از طرح همکاری با اعراب منطقه سخن بگوید و در همان زمان دستور حمله به مردم غیرنظامی صادر کند و اصل تفکیک و ضرورت و کلیه اصول حقوق بشر دوستانه بین‌المللی را نقض نماید.

دستگاه دیپلماتی ایران باید با تشریک مساعی ویژه و مذاکرات دوجانبه، چند جانبه و تشکیل فوری جلسه سران کنفرانس اسلامی، کسب حمایت مجامع بین‌المللی و طرح فوری موضوع در شورای امنیت سازمان ملل، مداخله موثر و ممانعت از ادامه این فجایع را به جد پیگیری نماید.

### - اقدامات حقوقی جمهوری اسلامی ایران

به نظر می‌رسد عدم تشکیل اتاق فکر جنگ حقوقی در ایران - با همکاری سایر کشورهای آزاده، مسلمان و محور مقاومت - بزرگ‌ترین ظرفیت سوزی بوده که خود متضمن نقض اصول ۳ (بند ۱۶)، ۱۱، ۱۵۲ و ۱۵۴ قانون اساسی و همچنین مواد ۱ و ۱۱ قانون مقابله با اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی علیه صلح و امنیت (مصوب ۱۳۹۹) می‌باشد. با توجه به موارد فوق، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند چند اقدام عاجل را مدنظر قرار دهد:

- الف) تشکیل کمیته مبارزه حقوقی علیه رژیم صهیونیستی با همکاری و کلا و قضات آزاده و مسلمان سراسر جهان؛
- ب) استفاده از ظرفیت سازمان همکاری اسلامی و تصویب اساسنامه دیوان عدل اسلامی به منظور مبارزه متحد کشورهای اسلامی با رژیم اشغالگر و مجازات جنایتکاران این رژیم؛
- ج) برگزاری نشست فوری با کشورهای اسلامی عضو (OIC) به منظور ارائه راهکارهای قطع همکاری و منع صادرات نفت و گاز به رژیم اشغالگر از سوی کشورهای اسلامی عضو اوپک؛
- د) ورود ثالث به پرونده جنایت نسل‌کشی اسرائیل در دیوان بین‌المللی دادگستری؛
- ه) مکاتبه با دادستان دیوان بین‌المللی کیفری (چارچوب سازوکار ماده ۱۵ اساسنامه دیوان) به منظور پیگیری صدور حکم دستگیری علیه سران رژیم جنایتگر از سوی قضات دیوان.

### - فرجام

بی‌توجهی و بی‌عملی در برابر جنایات اسرائیل آتشی است که دود آن به چشمان ملت‌های مسلمان در وهله نخست و جامعه جهانی در گام دوم خواهد رفت. این رژیم سفاک هرگز دست از کشتار، قتل عام و ترور برنمی‌دارد و تنها می‌توان با عوامل بازدارنده چندگانه نظامی-حقوقی-سیاسی جلوی آن ایستاد. جمهوری اسلامی ایران به عنوان پیشتاز حرکت محور مقاومت و امام این جریان موظف به اقداماتی عاجل در سطح حقوقی-سیاسی و نظامی است. در این راستا اقدام ایران در حملات موشکی گسترده به رژیم اشغالگر و هدف قرار دادن پایگاه نظامی نواتیم در شامگاه سه شنبه ۱۰ مهرماه ۱۴۰۳ در اقدام به دفاع

مشروع در برابر تجاوز رژیم اشغالگر به خاک یا منافع و حاکمیت ایران و ترور فرماندهان نظامی ایرانی در سایر کشورها از جمله سوریه و لبنان و شهادت اسماعیل هنیه پاسخی مناسب و با ضرورت طبق ماده ۵۱ منشور ملل متحد به شمار می‌رود.

### فهرست منابع

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- قانون مقابله با اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی علیه صلح و امنیت (۱۳۹۹)
- The charter of the United Nations
- Un/res/3166 (1973).
- Convention on the Prevention and Punishment of Crimes against Internationally Protected Persons, including Diplomatic Agents (1973).
- The Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (CPPCG), 1948.
- Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts (2001).
- Rome statute of the International Criminal Court (1998).
- The Wassenaar Arrangement on Export Controls for Conventional Arms and Dual-Use Goods and Technologies, (1996).
- The Arms Trade Treaty (ATT), 2013.
- Vienna Convention on the Law of Treaties 1969 Vienna Convention on the Law of Treaties 1969.